

بررسی فقهی عدم اختصاص برص و جذام نسبت به زنان و عدم فسخ نکاح به واسطه بیماری های نوظهور

خلیل اله احمدوند^۱، فائزه ویسی سطری^۲، سجاد پروینی^۳

^۱استادیار الهیات و معارف دانشگاه رازی

نویسنده مسئول:

خلیل اله احمدوند

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۷۴-۸۱

چکیده

نکاح به دلیل عیوب منصوص از جمله عیوب های زن (جذام-برص-قرن و زمین گیری و نابینایی از دو چشم و اعضاء و عیوب مختص مرد خصا-عنن-مقطوع بودن آلت تناسلی و عیب مشترک جنون باعث فسخ نکاح می شود. اما این فسخ مشترک است بین زن و مرد، برخلاف طلاق که مختص مرد است جز در موارد خاص. ملاک فسخ ضرر و زیان است که در این مقاله درصدد بررسی موارد زیر می باشد.

۱- ملاک فسخ ضرر و زیان است حال عیوب جدید که مسری و خطرناک است مثل ایدز و هیپاتیت و... باعث فسخ نکاح می شود بنابر ۱- قیاس اولویت ۲- روایات

الف) از ابن بکیر از امام صادق علیه السلام

ب) از حسن بن صالح از امام صادق علیه السلام

۲- بیماری جذام و برص فقط مختص به زن نیست بنابر ۹ دلیل که در مباحث جلوتر بررسی می شود.

کلید واژه ها: برص، عنن، فسخ، قرن، جذام

مقدمه

نکاح جزء عقود لازم است و جز معاملات به معنای اعم است. اگر مرد از وجود هریک از عیوب منصوص در زن قبل از عقد جاهل باشد حق فسخ دارد و اگر زن هم از هریک از عیوب منصوص در مرد قبل عقد جاهل باشد حق فسخ دارد. اما دلیل این فسخ آیات و روایات است تا از ضرر و زیان دور شوند و همچنین برخی اختیارات در نکاح پذیرفته شده است از جمله خیار عیب و خیار تخلف از شرط و خیار تدلیس (در خیار تدلیس اختلاف است) هرچند اختیاراتی دیگر از جمله خیار غبن یا خیار شرط بندی و... در عقود لازم دیگر جاری باشند در عقد نکاح پذیرفته نشده است. (امام خمینی تحریر الوسیله ج ۲)

عیوب مرد

۱- خصاء: کشیدن بیضه های مرد می باشد، و آن عبارت است از کوبیده شدن بیضه مرد طوری که قادر به انزال نیست زیرا بیضه ها کارشان تولید نطفه و ترشح هورمون های مردانه است. وعده ای از فقها خصی (شخصی که بیضه هایش کشیده شده است) را قادر به آمیزش می دانند اما ظاهراً خصی قادر به آمیزش جنسی نیست و موجب زوال صف مردانگی می شود و باعث ظهور صفات زنانگی مثل لطافت صدا و زوال موی صورت می شود و در صورتی باعث حق فسخ است که پیش از نکاح بوده و مانع زناشویی شود (مکارم شیرازی، دایره المعارف فقه ج ۳).
۲- جب: بریدن آلت تناسلی مرد است که مانع رابطه زناشویی می شود. یکی از مهمترین هدف ازدواج رابطه زناشویی است و با قطع و بریدن آلت تناسلی به گونه ای شوهر قادر به این امر نباشد برای زن حق فسخ ایجاد می کند. (مکارم شیرازی، دایره المعارف فقه ج ۳).
۳- عنن: بیماری که موجب می شود قوه نشر الت تناسلی مرد ضعیف شود و قادر به نزدیکی نباشد مبتلا آن را عنین می گویند که ممکن است این بیماری طبیعی باشد (یعنی مادرزادی) یا در اکثر کنش های روانی و افسون باشد و برای آن اسباب مختلفی در نظر گرفته اند مثل: مرض قند بالا، گاهی ترس، گاهی ضعف بدنی و گاهی غلظت خون و... زن بعد از اطلاع از عنن مرد و رجوع به دادگاه ب عنین یکسال مهلت می دهند جهت درمان، اگر در این مدت درمان نشد زن حق فسخ دارد (مکارم شیرازی، دایره المعارف فقه ج ۳).
۴- عیب مشترک: جنون+ از نظر فقهی به فساد عقل و زوال عقل گویند و از دست دادن تشخیص بین خوب و بد و مرضی که در عقل پیدا شده و موجب زوال عقد می شود و جنون نوعی اختلال عقل است که شخصی در انجام وظایف عادی و معمولی روزانه خویش نامتعادل شده و اعمال بدون هدف از او سر میزند و جنون اسم همه امراض دماغی است که موجب فساد و اختلال عقل می شود. (نجفی، جواهر الکلام ج ۳۰)

جنون اقسام و درجاتی دارد

الف) جنون ادواری: که در حال مجنون به یک حال باقی نمی ماند گاهی بهبود می یابد و دوباره دیوانه می شود.
ب) جنون گاهی دائمی است: هر دو موجب فسخ است. (نجفی، جواهر الکلام ج ۳۰)

اما عیوب مختص زل:

۱- برص (پیشی):

برص بر دو نوع است

الف) نوع اول ساده است و مسری نیست و امروزه هم قابل درمان است و باعث تغییر رنگ پوست می شود و عامل عفونی ندارد و درمان قطعی ندارد اما با درمان ۶۰ تا ۷۰ درصد در بازگشت رنگ کمک می کند.

ب) نوع دوم باعث التهاب و به گوشت و استخوان میرسد و دارای بوی بد و مسری و درناک است و محل آن سفید می شود و اگر سوزن در آن زده شود به جای خون، مایع سفید رنگی خارج می شود. این ها نشانه برص اند تشخیص این ها بر عهده پزشکان متخصص است و تا زمانی از طرف پزشکان تایید نشده اصل لزوم نکاح است. (سید حسن امامی و محقق کرکی، جامع المقاصد ج ۱۳)

۲- جذام:

یک بیماری عفونی است که پوست و اعصاب مبتلا می شود ناشی از میکروب باسیل سل است. در جذام اعضای بدن بیمار خشک و سیاه شده و گوشت بدن بر اثر آن از بین می رود، علائم این بیماری سرخ و سیاه شدن اعضای بدن، تنگی نفس و تورم صورت و بیرون زدن چشمان است.

این بیماری با تماس و نزدیکی شدن مداوم در ظرف ماه ها و سالها منتقل می شود. البته برخی از این بیماری قابل درمان است ولی در نوع شدید حتی شخص پس از درمان از خطر سرایت به دیگران را دارد و ممکن است میکروب به طور پنهانی باقی بماند. (محمدعلی انصاری و الموسوعه الفقیهه المیسره ودایره المعارف فارسی غلامحسین مصائب ج ۱)

نظرات راجع برص و جذام

امامیه گفته اند: مرد به واسطه جذام و برص شرطی حق فسخ دارد که یکی از این دو عیب قبل از عقد باشد و مرد جاهل به آن باشد، اما اگر هریک از این دو عیب در مرد باشد باعث فسخ نکاح از جانب زن نیست. شافعیه و مالکیه و حنابلہ گفته اند: این دو عیب مشترک بین زن و مرد است و اگر هر کدام از زوجین مبتلا به آن شود هر کدام از طرفین حق فسخ دارد و این حکم نزد شافعیه و حنابلہ حکم جنون دارد. (یعنی مثل جنون مشترک است بین زوجین) مالکیه گفته اند: هرگاه زوجه درزوج جذام یافت چه قبل چه بعد از عقد باعث حق فسخ است اما برص اگر قبل از عقد باشد برای هریک فسخ وجود دارد. اما اگر بعد از عقد حادث شود زوجه حق فسخ دارد و حاکم برای برص و جذام یک سال قمری برای احتمال شفا مهلت می دهد. (فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه ترجمه کاظم پورجوادی ج ۱)

۳- قرن:

اصطلاح (قرن/عفل/رتق) برخی از اهل لغت آن را یک معنا می دانند یک گوشتی که از فرج زن خارج شود و مانع نزدیکی می شود. قرن یعنی گوشت یا غده یا استخوان دهانه رحم که مانع آمیزش جنسی شود و برخی گفته اند عقل گوشت زائد و قرن استخوان زائد است که به آن عقل گوید و برخی گفته اند هر دو یک چیزاند. قرن یعنی در فرج چیزی مانند شاخ گوسفند باشد و عقل گوشتی که در فرج ترشح دارد. (عبدالعزیز ابن براج، المذهب ج ۱)

۴- افضاء:

یعنی راه بول و مجرای تناسلی زن یکی شود. مراد از افضاء یعنی ایجاد فضای وسیع در رحم به علت پارگی است گفته شده (قد افسدها وعطلها علی الزواج) پس افضاء موجب فسخ است (عبدالعزیز ابن براج المذهب ج ۱)

نظرات راجع به قرن و عقل و افضاء

این سه عیب مخصوص زنان است. این عیوب نزد مالکیه و حنابلہ برای زوج موجب فسخ است. شافعیه گفته اند: قرن موجب فسخ است و افضاء و عقل اثری ندارد. امامیه گفته اند: قرن و افضاء موثر در حق فسخ است. اما عقل موجب چیزی نیست و گفته اند کوری و لنگی واضح قبل از عقد در زن باشد مرد نداند اگر خواست عقد را می تواند فسخ کند. اما اگر کوری و لنگی در مرد باشد زن حق فسخ را ندارد. (فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه ترجمه کاظم پور جوادی ج ۱) امامیه گفته اند: خیار فسخ فوری است اگر هریک از زوجین عیبی را فهمیدند و فوری فسخ نکنند عقد لازم است. (فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه ترجمه کاظم پور جوادی ج ۱) و در کتاب فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه ترجمه کاظم پور جوادی گفته است این عیوب مختص زن و مرد اگر درمان پذیر و درمان شود و اثر نامطلوب از خود بجای نگذارد پس حق فسخ ندارند انگار شخص خالی از مرض است.

عیوب مرد

خصا کشیدن بیضه های مرد می باشد و آن یعنی کوبیده شدن بیضه مرد طوری که قادر به انزال نیست و عده ای از فقها خصی که یعنی شخصی که بیضه هایش کشیده شده است را قادر به آمیزش می دانند اما ظاهراً خصی قادر به آمیزش جنسی نیست و موجب زوال صفت مردانگی میشود

و باعث ظهور صفات زنانگی مثل لطافت صدا و زوال موی صورت می شود و در صورتی که باعث حق فسخ از که پیش از نکاح باشد و مانع زناشویی شود (سید حسن امامی)

۲-جب:

بریدن آلت تناسلی مرد است که مانع رابطه زناشویی می شود (سید حسن امامی) سه بیماری که موجب می شود قوه نشر آلت تناسلی مرد ضعیف شود و قادر به نزدیکی نباشد و مبتلا به آن او می گویند که ممکن است این بیماری طبیعی باشد یعنی مادرزادی یا در اثر کنش های روانی و افسون باشد و برای آن اسباب های مختلفی در نظر گرفتند مثل قند بالا و گاهی ترس و گاهی ضعف بدنی و گاهی غلظت خون

بعد از اطلاع از عنین مرد و رجوع به دادگاه به عنوان یک سال مهلت می دهند جهت درمان اگر در این مدت درمان نشد زن حق فسخ را دارد (زهر راستی)

عیب مشترک

۱- جنون: از نظر فقهی به فساد عقل و زوال عقل بگویند و از دست دادن تشخیص بین خوب و بد صاحب جواهر در این مورد می گوید مرضی که در عقل پیدا شده و موجب زوال عقل می شود از نظر محقق داماد منظور از اختلال عقد آن است که شخصی در انجام وظایف عادی و معمولی روزانه خویش نامتعادل شده و اعمال بدون هدف از او سر بزند از نظر فاضل نراقی جنون اسم همه امراض دماغی است که موجب فساد و اختلال عقل می شود جنون اقسام و درجاتی دارد

الف) جنون ادواری که در مجنون به یک حال باقی نمی ماند و بهبود می یابد و دوباره دیوان می شود
ب) جنون دائمی که دائماً مجنون است و هر دو موجب فسخ است که جنون ادواری چه جنون دائمی (زهر راستی)
سوال: آیا برص و جذام در مرد باشد برای زن ایجاد حق فسخ نکاح می کند؟
این عیوب از بیماری های مسری و تنفر آمیز است که زندگی با چنین افرادی سخت است و اینکه در مورد فسخ نکاح به علت جذام و برص در شوهر قبل از عقد اجماع شده و آیات و روایات زیادی که ذکر می شود و برای زن هم قابل قائل به فسخ نکاح اند (محمد بن حسن حر عاملی وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل و الشریعه)

دلایلی که این مختص به زن فقط نیستند :

۱- روایت صحیح حلی از امام صادق نقد می کند (انما یریدالنکاح من البرص والجذام والمجنون والعفل) (طوسی تهذیب الاحکام ج ۷) و اینکه اطلاق حدیث شامل زن و مرد می شود و قرینه ای که به زن مختص باشد نیست و ذکر بیماری عقل که مختص زنان است چون در ردیف جنون که بیماری مشترک قرار گرفته است پس و بنابر اطلاق ماده جذام و برص مشترک است (جامع امام صادق جلد ۱۳ کرکی)
۲- در روایت آمده است از همنشینی با فردی که جذام و برص دارد به شدت دور شوید پس چرا در این صورت زن اگر مرد این داشته باشد باید او را تحمل کند (حر عاملی وسائل الشیعه الی تحصیل جلد ۷)
۳- در حدیث مناهی: قال پیامبر صلی الله، و کره ان یکلم الرجل مجذوماً لان یكون بنیه وبنیه قدر ذراع و قال پیامبر فرامجذوم فرارک من الاسد) حر عاملی وسائل الشیعه الی تحصیل ج ۱۰
قال رسول الله صلی الله علیه و آله خمسہ جتنبون علی کل حال: المجذوم و الابصر و المجنون و ولد الزنا و الاعرابی (عبدالعزیز بن براج المذهب جلد ۲)

برخی فقها از جمله قاضی ابن براج در کتاب المذهب و ابن جنید اسکافی در کتاب مختلف شیعه فی کلام الشریعه جلد ۷ و فاضل مقداد شهید ثانی در کتاب الروضه البهیة فی شرحه للمعهه الدمشقیة این دو عیب را مشترک بین زن و مرد می داند و زوجه هم حق فسخ دارد با توجه به عنوان انما یرید نکاح من البرص و الجذام و الجنون و العفل در کتاب مختلف الشیعه از ابن جنید اسکافی که از فقهای قرن چهارم است نقش شده جذام و برص مشترک است می گوید و ابن جنید یو هم کلامه و ذلک فانه قال الذی مرد به النکاح من العیوب الجنون و البرص و الجذام و الداء یمنع من الوط و سوا کان بالرجل و المراه و علامه آل کاشف العطاء در کتاب تحریر المجله جلد ۵ و آیت الله مکارم شیرازی این روایا مشترک می دانند و برخی روایات آمده است که این دو را برای زوجه هم باعث فسخ نکاح (لانه اثبات الشی لاینفی ماعداه) این روایت دلالت بر حصر ندارد و ممکن است گفته شود زنان به خاطر حجابشان این عیب ها مخفی است برخلاف مردان که این غالباً آشکار است و پس زن حاضر نیست با چنین فردی ازدواج کند اما

مرد به خاطر مخفی بودن عیب ازدواج کند و بعد مشخص شود باعث فسخ نکاح برای مرد است (فاضل مقداد التتقیح الرائع مختصر الشرایع جلد ۳)

۸- بنا بر قاعده لاضرر پس بدون شک این موجب ضرر و زیان است این بیماری‌ها باعث تنفر از شوهر می شود و این بیماری ها برای زوجه هم باعث فسخ و علامه حلی در قواعد الاحکام گفته است (ولو قيل بان للمراه الفسخ) و شهید ثانی در این مورد می گوید (و حصول الضرر منه بالعدی باتفاق الاطبا واهل معرفه) شهید ثانی و علامه حلی شرح روضه البهیة فی شرح لمعه جلد ۵ و نیز قیاس اولویت اگر جذام و برص و در زنان عیب است در صورتی مرد مبتلا به آن شوند به طریق اولی برای زن حق فسخ دارد زیرا زنان حق طلاق ندارد و تنها حق فسخ دارد در ۹- فقه مالکی و شافعی و حنابلہ این دو را عیب مشترک می داند (فقط تطبیقی مذاهب پنجگانه ترجمه کاظم پور جوادی جلد ۱)

در نتیجه مشترک شمردن این دو بیماری این دو بیماری منطق و موازین شرعی و اسلامی از دیدگاه غیر مشهور بررسی دلایل کسانی که می گویند به جز آن مختص زنان از نظر مشهور فقها دلیل آنها اصل برخی از فقها معتقدند که این دوعیب مختص زن است دلایل آنها ۱- اصل: برخی فقها معتقدند که این دوعیب مختص زن است و اگر مرد به غیر از عیوب منصوص مبتلا شده اصل استناد می کنیم .

صاحب جواهر می گوید (فلایردالرجل بعیب غیر ذلک الذی قدمناه وفاقا للمسهور للاصل) نجفی جواهر الکلام ج ۳۰ منظور از اصل را می توان اصل لفظی است لزوم عقد از آیه اوافوا بالعقود یا اصل عملی استصحاب بقاعلقه زوجیت دانست البته در صورتی می تواند به اصل استناد کرد که دلیل معتبری بر خلاف آن نباشد در حالی دلیلی برای حق فسخ در صورت مبتلا شدن شوهر به جزام و برص است و نمی توان استناد کرد .

۲- حدیث: از امام صادق علیه السلام (الرجل لایردمن عیب) مرد به سبب عیب رد نمی شود پس فسخ نکاح برلی زن بخاطر عیوب در مرد وجود ندارد (حر عاملی وسائل الشیعه جلد ۲)

و برخی فقها این حدیث را به عنوان معتبره یاد کردند و دلیل اعتبار آن نیز عمل مشهور فقها به مضمون آن می داند (جواهر الکلام جلد ۳۰) ولی حدیث به دلیل ضعف سند و نیز ناهماهنگی و آشفتگی در متن قابل استناد و اعتماد نیست (شهید ثانی شرح روضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه ج ۵)

متن کامل حدیث عبدالله علیه السلام قال فی العین اذا علم عین لایاتی النساء فرق بینهما و اذا وقع علیهما وقع واحد لم یفرق بینهما والرجل لایردمن عیب الله اعلم الله (فروع کافی جلد ۱۳)

اگر معلوم شود مرد عین است و توانایی جنسی ندارد بین زن و مرد جدایی افکند می شود ولی اگر یک بار آمیزش کرد به علت عیب مرد فسخ نمی شود

همانطور که مشخص است ناهماهنگی بین صدور ذیل حدیث قابل رفع نیست و حتی عمل به مشهور و وقوع اجماع در سند حدیث برای جبران ضعف سند کافی نیست (خوبی کتاب معجم رجال اهل حدیث جلد ۱۱)

و آشتیانی در کتاب النکاح گفته حتی به صورت حمل عام بر خاص رفع نمی شود زیرا در مورد تخصیص به دلیل عام به خاص متصل باید همیشه استثنا از عام به کمک ادوات استثنا باشد مانند (الا) در غیر این صورت استثنا صحیح نیست و حدیث مزبور چنین امری نیست) آشتیانی کتاب نکاح ج ۱)

سوال ۲- آیا بیماری های منصوص درمان می شود آنگاه حق فسخ ساقط می شود یا نمی شود ؟

اگر بیماری های منصوص از طریق دارو جراحی در درمان شود و آثاری از آن باقی نماند اگر صاحب عیب قبل از اعمال خیار بیماری را درمان کند

حق فسخ ساقط از زیرا عیبی وجود ندارد که به خاطر آن فسخ کنیم زیرا خیار برای جلوگیری از ضرر است و در صورتی که از همسرش بی خبر باشد و قبل از اطلاع همسرش را درمان کند اینجا هم خیار منتفی است و در صورتی که برای فردی عیب دارد مهلتی برای رفع عیب دهد عیب برطرف شود باز هم خیار منتفی می شود (عبدالعزیز ابن براج المذهب جلد ۲)

از فقهای امامیه و شیخ طوسی و قاضی ابن براج و از فقهای شافعی محیی الدین بن شرف نووی بر سقوط حق فسخ در این مورد فتواده اند. (عبدالعزیز ابن براج المذهب جلد ۲)

سوال ۳- چرا عیوب جدید که برخی از آن ها به مراتب بدتر از عیوب منصوص است موجب فسخ نیست؟

برخی بیماری های نوظهور از بیماری منصوص بدتر است اگر زوج یا زوجه به این بیماری های نوظهور مبتلا شود باعث فسخ است بنابر:

۱- قیاس اولویت و ملاک حکم زیرا بیماری های منصوص به علت اینکه باعث عدم یا سختی زیاد برای معاشرت زوج یا زوجه است در حالی که بیماری های جدید نیز خطرناک تر از آنها است.

۲- یکسری روایات که می توان از آن ها نیز فسخ نکاح بخاطر عیوب جدید استنباط کرد:

الف) روایات ابن بکیر از امام صادق(ع) (عن الرجل یتزوج المراه بهت الجنون و البرص و شبه ذا فقال (ع) هوضا من للمهر >>حرعاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ج ۲<<

کلمه شبه ذا یعنی هر بیماری شبیه جنون و برص البته حدیث از جهت ارسال ضعیف است.

ب) روایت حسن بن صالح از امام صادق(ع) عن رجل تروج امراه فوجد بها قرنا، قال هذه لا تحبل و ینقبض زوجها من حجامتها، ترد علی اهلها>>حرعاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ج ۲<<

جمله هذه لا تحبل به منزلت علت حکم است و روایت از قبیل منصوص العله است و می توان آن را به موارد دیگر تعدی کرد.

نتیجه گیری

در مورد عیوب نوظهور مسری و خطرناک که موجب فسخ نکاح برای هریک از زوجین است بنابر این قاعده لاضرر و قیاس اولویت و همچنین هر عیبی که باعث اخلال در مقاصد نکاح می باشد می تواند باعث فسخ نکاح شود.

و آنچه در فقه و قانون آمده است جنبه تمثیلی دارد نه حصری و همچنین اگر برخی از عیوب اعم از منصوص یا نوظهور (چه جنسی و چه غیر جنسی) قابل درمان باشد به صاحب عیب می توان فرصت داد برای درمان، اگر فرد در موعد مقرر درمان شد و اثری از آن باقی نماند حق فسخ ساقط است.

پس با توجه به اقتضا زمان و مکان باید تجدید نظری در مورد عیوب منصوص در فقه و قانون شود. و بیماری برص و جذام مشترک بین زن و مرد است.

و فقهای مشهور امامیه می گویند این عیوب مختص زن است و به روایت غیاث ضبی اشاره کرده اند که هم از نظر و سند قابل اعتماد و استناد نیست و بنابر ۹ دلیل ذکر شده در مقاله برص و جذام مشترک بین زن و مرد است.

منابع

- ۱- قرآن
- ۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مهر ۱۳۸۳
- ۳- امام خمینی سید روح الله، التحریر الوسیله، مطبعه لاداب، نجف اشرف
- ۴- ابن براج، عبدالعزیز، المذهب، تحقیق سید عبدالرسول جهرمی جامعه المدرسین، قم
- ۵- انصاری، محمدعلی، الموسوعه الفقیه المیسره، مجمع الافکر الاسلامی، قم
- ۶- حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، آل بیت، قم
- ۷- دادمرزی، سیدمهدی، ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه، کتاب مله، قم
- ۸- شهیدثانی، زین الدین جبعی، شرح روضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة اسماعیلیان، قم
- ۹- شیخ طوسی، محمدبن علی بابوی من لا یحضر الفقیهه، آل بیت، قم
- ۱۰- علامه حلی، حسن بن یوسف ابن مطهر قواعد الحکام و مختلف شیعه، جامعه مدرسین
- ۱۱- فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله السیوری، التتقیح ارائع المختصر الشرائع، موسسه معارف الاسلامیه، قم
- ۱۲- کاظم پور جوادی، فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه مجمع الفکر اسلامی، قم
- ۱۳- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد، موسسه آل بیت، قم
- ۱۴- مکارم شیرازی، آیت الله شیخ ناصر، دایره المعارف فقه مقارن انتشارات امام امام علی، قم
- ۱۵- مصاحب، غلام حسین، دایره المعارف، امیر کبیر، تهران
- ۱۶- نجفی، محمدحسن، جوادالکلام، داراحیاء التراث العربی بیروت